

جزوه آثار سنن

کلاس سادسه

استاد: مولوی عبدالحمید قدری

اصطلاح محدثین در تسمیه کتب حدیث : در اصطلاح خود برای کتب احادیث اسمائی را در نظر گرفته اند اسم هر یکی به اعتبار محتوای کتاب فرق دارد بنابراین در این جا کتاب حدیث را به چهار قسم تقسیم کرده اند

۱ صحیح : این نوع کتاب شیش تا هستند که به صحاح مشتهر معروفند از میان کتب حدیث در اصطلاح محدثین صحیح به کتابی گفته می شود که نویسنده ی آن در آن کتاب فقط احادیث صحیح را جمع آوری کرده است مانند الجامع الصحیح امام

بخاری و صحیح مسلم

۲ السنن : به کتابی گفته می شود که در آن احادیث احکام به ترتیب ابواب فقه ذکر شده باشند مانند سنن ابن ماجه ، سنن دارمی ، سنن ابی داود ، سنن ترمذی ، سنن نسائی و ...

۳ المعجم : به کتابی گفته می شود که احادیث آن به ترتیب شیوخ ذکر کرده شوند شیوخی که به اعتبار وفات یا حروف حقیقی یا در فضیلت علمی و تقوی تقدم دارند احادیث روایت شده آنها مقدم کرده شده اند مانند معجم سه گانه طبرانی

۴ مسند : به کتابی گفته می شود که در آن احادیث به ترتیب صحابی آورده شده اند به این معنا که تقدم هر یکی به ترتیب حروف حجاب به ترتیب ساقیت اسلامی باشد معقود علامات : علامه نموی در آخر احادیث در بسیاری از جاها به جمله ای اکتفا کرده مثلاً بعد از روایت حدیث می فرماید رواه الشیخان و غیره — پس مقصود

هر یکی از این کلمات درج ذیل است .
شیخان در کتب حدیث به بخاری و مسلم گفته می شود .

رواه الثلاثة و مراد ابوداود ، نسائی و ترمذی می باشند .

رواه الاربعة و مراد ابوداود ، نسائی ، ترمذی و ابن ماجه می باشند .

رواه الخمسة و مراد ابوداود ، نسائی ، ترمذی ، ابن ماجه و مسند احمد می باشد .

رواه الستة و مراد ابوداود ، نسائی ، ترمذی ، ابن ماجه ، بخاری و مسلم می باشند .

رواه الجماعة و مراد کتب سننه و مسند احمد بن حنبل می باشد .

باب المياه

کتاب الطهارة

انچه اربعه و جمعه علماء لهذا مورد اتفاق دارند که هرگاه در آب کثیر جنس نجس یا نجاستی بیفتد در صورت تغییر اوصاف سه گانه رنگ و بو و طعم یعنی با تغییر یکی از اوصاف سه گانه آب و نجس می شود و در غیر این صورت نجس نمی گردد اما اگر در او دو ظاهری حسن بصری، سیده عاقله اوصاف سه گانه آب متغیر شود یا خیر آب نجس نمی شود. اما اگر آب قلیل است در نجس بودن و نبودن آن در میان فقهاء اختلاف وجود دارد نزد امام اعظم آب قلیل با وقوع نجاست نجس می شود اگر چه هیچ یکی از اوصاف سه گانه متغیر نشود دلیل لایون احدثکم فی الماء الدائم نزد امام مائک در صورتیکه یکی از اوصاف سه گانه آن تغییر کند بلیدی شود یعنی هیچ یکی از اوصاف سه گانه تغییر نکرد آب به محض وقوع نجاست نجس می شود دلیل امام مائک از حدیث بن رضاعه که ان الماء لظهور لا یجسد شیء فیها می باشد نزد امام شافعی و احمد بن حنبل اگر آب به اندازه دو قلم باشد (۵۵ رطل بغدادی که مساوی ۱۹۰ لیتر یا مکعبی که هر ضلع آن ۵۸ سانتی متر است) نجس نمی گردد زیرا این قدر آب نزد احمد و شافعی درج کثیر است و در حکم آب کثیر است. کمتر از دو قلم با وقوع نجاست نجس می گردد استدلال امام شافعی و احمد بن حنبل از حدیث اذاکان الماء قلتین لم یجعل الخبث اما اصناف در جواب استدلال امام مائک می گویند که استدلال از حدیث بن رضاعه درست نیست زیرا چاه مذکور بصورت خری بوده که آب آن به بساطین می رفت و شاید قبلاً در آن لاشه های مردار (سگ و ...) انداخته می شد و جریان آب باران آن ها را به ته چاه می کشید و بعداً از این گونه نجاسات پاک بود ولی باز هم برای اصحاب جای شک داشت در نتیجه آنرا از بیابان (میر) استفسار کردند در جواب استدلال شافعی گوئیم که لفظ قلم دارای چند معانی می باشد قلم به معنی قامه (اندازه) ، قلم به معنی قلم کوه ، کوزه بزرگ ، سونی که بد آن شاخه های انگور بلند کرده می شوند بنابراین مقدار آب قلم مشخص نیست (اضطراب در معنی)

اضطراب در حدیث: گاهی در سند و متن و گاهی در معنای آن نیز اضطراب وجود

۳

۲

دارد. اضطراب در معنی

اضطراب در سند این است که یکی از رجال سند، حدیث را با طرق مختلف روایت کند و در هر طریق از افراد دیگر روایت میکند.

مثال اضطراب درند است که ولید بن شیر با طرق مختلف گاهی از محمد بن جعفر بن زبیر روایت کرده و گاهی از محمد بن عباد بن زبیر گاهی از عبد الله بن عمر و گاهی از عبد الله بن عمر روایت می کند.

اضطراب در متن است که در یک حدیث یکم ای به انواع گوناگون ذکر شود به این معنا که آن یکم را یک راوی به گونه ای و راوی دیگر به گونه ای دیگر آنرا روایت کند مثال اضطراب در متن است که در روایت قلین و در روایتی دیگر اربعین قلم و در روایتی دیگر ثلاثه قلال آمده است اضطراب در معنی است که یکم در حدیث دارای چند معنای باشد معنی مطلوب آن معلوم نباشد و اضطراب در معنا است که قلم به معانی متعددی آمده است آنها را در جواب استدلال امام شافعی نوشتید

مثال هر سه نوع اضطراب در حدیث شماره ۵ دیده می شود در مقدار آب کثیر بین ائمّه اختلاف وجود دارد نزد شوافع مقدار آب کثیر ۲ قلم است و دلیل آن حدیث قلین می باشد چنانچه امام نووی می فرماید اگر نجاست در آبی که به اندازه یک قلم باشد ریخته و یکی از اوصاف سه گانه متغیر شود آب نجس می شود و بار ضامن کردن یک قلم دیگر آب پاک می گردد. آنوقت اگر یک قلم از آب را خارج کند باز هم پاک است.

احناف در مورد آب کثیر سه قول دارند نزد امام اعظم مقدار آب کثیر به رأی مبتلا به است. امام ابو یوسف می گوید که از حرکت دادن یک طرف آب طرف دیگر آن به حرکت در نیاید در انصورت آب کثیر است قول امام محمد را در این مورد دعا کرد ابو سلیمان جعفر جانی روایت می کند که من از او پرسیدم که مقدار آب قلیل و کثیر حقیر است امام محمد در مسندی نوشته بود فرمودند که اگر آب حوض کباب به قدر این مسجد باشد آب کثیر شمرده می شود و اگر نه آب قلیل است پس علماء متأخرین آب مسجد را محاسبه نموده و اندازه آن را ده درده اعلام کردند

ابواب النجاسات باب سور الهرة

تردائمه تدايه غير از امامنا ابی حنیفہ و طبق قولی از ابی یوسف و محمد سور هرة يك است
 تردائمه اعظم، زفر، محمد بن حسن، حسن بعدی، حسن بن زیاد مکروهی باشند.
 البته در نوع کراهت در میان حضرات مذکور اختلاف وجود دارد ترد
 امام اعظم مکروه تحریمی است و بعضی از علماء قول امام ابی حنیفہ را بر کراهت
 تنزیهی حمل کرده اند و این قول علامه مکرخی است و بعضی گفته اند اگر گریه بعد از شکار
 موش و خوردن آن فوراً آب بخورد در اینصورت استفاده از سور هرة مکروه تحریمی
 است و اگر دهانش پاک بود و بیاب دهان زد در این صورت سور هرة مکروه است
 ترد امام اوزاعی سور هرة نجس هست (دلیل: غسل مرتین - گوشت آن حرام است)
 دلیل گروه اول حدیث شهاب ۱۲۰۳ حدیث باب - الله ۲۲ هستند.
 دلیل گروه دوم از حدیث ۱۲۱۲ آخر باب ۵ باشند - امام اعظم و زفر

در جواب حدیث دلیل گروه اول گویند که رای شخصی ابی قتاده است و آن از پیامبر
 عدم نیاست هرة آمده و در باره پاک شدن هرة هیچ چیزی یافت نمی شود، دوم لزوم احتمال
 خالی نیست پس بنا بر فایده ای از اجماع احتمال بطل الاستدلال می توان به عدم نجاست
 سور هرة اکتفا کرد

امام طحاوی با دسی کردن دلایل عقلی نظر خویش را چنین بیان می کند سی خورده هر حیوان
 تابع گوشت آن حیوان است، حیواناتی که مأكول اللحم می باشند سور آنها نیز
 پاک و حیواناتی که غیر مأكول اللحم می باشند سور آنها ناپاک است
 سور انسان پاک چون گوشت آن پاک و طاهر است.

علت کراهت سور هرة را چنین می فرماید که گوشت گربه حرام و جزر حیوانات درنده محسوس
 و مسود و این نزدیک به تحریم است پس و وجود حرام بودن گوشت آن، سور او باید کراهت
 داشته باشد زیرا او به نفس حدیث از طوافین با طوافات می باشد اما در این مورد که
 سور هرة تحریم نیست یا تنزیهی و قول منقول است امام طحاوی می فرماید که گریه می باشد
 و امام مکرخی می فرماید اگر کراهت آن تنزیهی می باشد و فوای آنها بر قول مکرخی می باشد
 زیرا حدیث موافق تر می باشد

باب سور کلب

ابواب النجاسات

در باره سور کلب در میان ائمه اختلاف است و در این مورد ائمه کرام به سه دست تقسیم شده اند ۱ آیا سنگ پاک است یا نجس؟
 ۲ سور کلب پاک است یا نجس؟ ۳ کاسه یا ظرفی که سنگ از آن آب بخورد چنانچه مستحسود؟

در باره پاک بودن و نبودن سنگ دو مذهب وجود دارد: ترد اقامت پاک و اصاب ظاهر و اقامت اوزاعی سور کلب پاک است، حتی خوردن گوشت آن به همراه کراهت جائز است دلیل این گروه از آیه کریمه ۱۴۵ سوره انعام می باشد.
 قل لا اجد فی ما اوتی الی من مخرما علی طاعم یطعمه الا ان ینزل من السماء او دما لیسفوا اولم یختر...
 خداوند در این آیه به جزئ میته و دم مسفوح و لحم خنزیر هیچ حیوان دیگری را حرام قرار نداده است و همچنین از آیه ۴ سوره مائده استلال می کنند
 ((قل اهلکم الطیبات وما علمتم من الجوارح مملئین))

که خداوند خوردن سنگی را که توسط سنگ شکاری و شکار شده حلال قرار داده شده و وضو در باره شستن یا بریدن این قسمت ساکت است پس لازماً خوردن آنجا حلال است.

ترد ائمه ثنائه و جعفر سنگ نجس و گوشت آن حرام.

در جواب استدلال مائده اوزاعی و اصاب طاهر می فرمایند این آیه همچنان که از امر به شستن ساکت است و امر به نشستن به جایی که سنگ از آنجا خورده هم ساکت است پس وقتیکه هر دو احتمال وجود دارد نمی توان از این آیه استدلال کرد و در جواب آیه اول ۱۴۱ انعام، گویند عمومیت این آیه با آیه یَحْرِمُ عَلَیْهِمُ الْحَبَاثُ رفع شده است. انجا

امادر مورد سور کلب: گروه اول گوشت سنگ را پاک می دانند پس سور آنرا که متولد از گوشت می باشد هم پاک می داند اما ۲ خفاف و شافعی و احمد قائل به نجاست سور کلب می باشند.

امادر مورد ظرفی که سنگ از آن آب بخورد، اختلاف موجود است:

ترد شافعی و جعفر دیگری از فضیله باید تا ۱ مرتبه شست شود
 دلیل شافعی حدیث شماره ۱۷ باب سور کلب کتاب آثار السنن می باشد
 اقام شافعی می گوید در این باب احادیثی که روایت شده متعلقه دیگر حدیث به سربار دستور داده و در حدیث دیگر ۱ بار و در حدیث دیگر ۳ بار و در حدیث دیگر ۱ بار که بار هشتم خاک مالیده شود پس در چنین موردی باید به حدیثی که ضعیف

زیادت هر بار عمل کرده شود که آن حدیث همان حدیث است ۲ در آن ۷ بار
به شستن دستور داده شده است.

نزد حسن بصری و احمد بن حنبل ۷ بار با آب و ۱ بار با خاک شسته شود.
نزد امام اعظم و صاحبین سه مرتبه شسته شود و با خاک شستن واجب و لازم نیست،
و در جواب استلال شافعی گویند شما باز هم به حرمتی ۲ مثبت زیادت است
عمل نکرده اید زیرا مثبت زیادت حدیثی است که از این معقل روایت شده که در آن
بی (ع) به ۱ بار شستن دستور داده اند که بار ۱ باید با خاک مالیده شود
اما استلال احناف از حدیث باره ۱۹ تا آخر باب هم باشد
واجب سه مرتبه و اضافی دلیل استحباب

باب نجاسة المني

تعريف مني: المني هو ماء ابيض تخين يتولد منه الولد وهو يتدفق في
خروجه ويخرج بشهوة من بين الصلب الرجل وترائب المرأة ويستعمل
القطر وله رائحة كريهة طلع ورائحة الطلع قريب

تعريف مني زن: مني المرأة امفر رفیق وقد يبيض لفضل قوتها
تعريف مني: هو ماء ابيض رفیق لزج يخرج عند الملاعبة أو
تذكر الجماع أو ارادته من غير شهوة ولا دفع ولا يحقبه فطور
ربما لا يحس يخرج منه واغلب في النساء

تعريف ودی: هو ماء ابيض تخين يشبه المني في اللطافة
يخالفة في الكدورة ولا رائحة له ويخرج عقب البول

مني بردو قسم است ۱ مني انسان ۲ مني غير انسان
در باره مني غير انسان: دو مذهب وجود دارد نزد احناف و مالک مني
هر حیران بخش است.

نزد حنابل و شافعی در باره مني حیوان چهار ۴ قول منقول است.

۱ مني سنگ و خنزیر مطلقاً نجس هستند.

۲ بغیر از سنگ و خنزیر مني حیوان مأکول اللحم و غیر مأکول پاک است.

۳ مني حیوان مأکول اللحم و غیر مأکول اللحم نجس اند.

۴ مني مأکول اللحم پاک و غیر مأکول اللحم پاک.

در باره طهارت وعدم طهارت منی انسان در میان فقهاء اختلاف است که منشأ
این اختلاف از زمان صحابه تا حال ادامه دارد نزد حضرت عمر و سعد بن ابی وقاص
بنی عباس و حضرت ابی هریره و اش بن مائک منی مطلقاً نجس است
در باره طهارت وعدم طهارت در میان ائمه مجتهدین اختلاف
۱. نزد امام اعظم، مائک، اوزاعی و لیس بن سعد و حسن بن صالح
منی نجس است و

۲. نزد شافعی و احمد منی پاک است.
در مورد تطهیر منی باز هم در میان ائمه اختلاف است و
۱. نزد احناف و شافعی منی تر لازم و خراشیدن منی خشک لازم است
۲. نزد مائک و شافعی منی تر و خشک لازم است البته با یا سیدن آب جایی که منی ریخته یا گریه شود
۳. نزد لیس بن سعد مانند مجبور احناف منی نجس است البته اگر منی به لباس اصابت
کرده نماز بخواند نمازش درست است
۴. نزد حسن بن صالح اگر کسی در لباسی که منی به همان لباس اصابت کرده نماز بخواند
نمازش درست است و اعاده نماز لازم نیست و اگر به بدن منی اصابت کرد
و نماز را خواند اعاده نماز بروی لازم است

« باب ما جاء في البول »

۱. صاحبان قبر مسلمان بودند یا کافر . ۱. مذهب و گروه هستند علماء :

حافظ ابو موسی مدنی هر دو کافر بودند و از قبیل بنی نجار تعلق داشتند و برای تأیید نظریه خود روایتی نقل کردند در روایت مسند امام احمد آمده است که هر دو را در جاهلیت وفات شده اند لیکن ابن حجر جواب داده است که در سند این روایت عبد الله بن حنیفه واقع شده که آن بسیار ضعیف است و از حشیش روایتی است لال درست نمی باشد. قال الحافظ المذنب الذی احتج به ابو موسی المدنی ضعیف کما اعترف به . تحفة الخواری شیخ محمدی (صیقلی)

۲. اگر صاحبان قبر مؤمن بودند از آضا عذاب تخفیف می شد مانند یا مبرین از گشتن بناخ درخت فرمودند « لعلهم یخفف عذابهم ما لم یسبوا » جراتش واضح است در اینجا مرادش از تخفیف رفع عذاب است .

رأی و نظریه گروه دوم : جمع هر چندش می فرماید صاحبان هر دو مسلمان بوده اند و بر این می تواند قرائن موجود است و در این مورد حافظ ابن حجر سه تا فرموده است :

۱. در بعضی روایات « حتر علی قبرین جدیدین » آمده است که لفظ جدیدین دلیل بر اینست که قبر جدید و تازه بوده اند و از زمان جاهلیت نبوده اند . لامحال

هر دو قبر مسلمانان بوده اند

۲. در روایت ابو درود آمده که یا قبر از قبرستان بقیع گذر کرده و شاخه درختان را بر آن بوقر گذاشت و جنه البقیع قبرستان مسلمانان بوده و لهذا اند و قبر هم مال مسلمانان بوده اند

۳. در روایت طبرانی با روایت مسند صحیح روایت شده و صاحبان فی التمیم و البول برای کیم عذاب قبر فقط در بول و نمیه حشر شده و از این حصر منقص است که قبر مال مسلمانان بوده

در باره ی بول حیوان غیر مأکول اللحم همه اتفاق دارند که نجس است اما در باره بول حیوانات مأکول اللحم در میان ائمه اختلاف وجود دارد: امام مالک، احمد بن حنبل و عقی روائه زعفرانی روائه محمد بن حسن، بول حیوان مأکول اللحم را پاک می دانند. استدلال این گروه از حدیث عربین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نوشیدن ابوال ستر اجازه دادند و حدیث شماره ۱۵: { لا بأس ببول ما أكل لحمه } هم مذهب آنها را تأیید می کند.

گروه دوم: استدلال این گروه از حدیث { استنزهوا عن البول فان عامة عذاب القبر منه } نزد ابوحنیفه، شافعی و روائه محمد و مذهب ابی یوسف بول مأکول اللحم و غیر مأکول اللحم همه نجس هستند.

گروه دوم در جواب گروه اول بر حدیث عربین می گویند که پیامبر صلی الله علیه و آله بوسیله وی با خبر شده که شفاء آنها از ابوال است و همیشه می توان شفاء را در آن یافت. امام ابو یوسف می فرماید در صورت مداوی می توان استفاده کرد.

(باب في نجاسة الروث)

در حدیثی که در این باب روایت شده است، پیامبر ص، در باره ی روث فرمود (هذا ركن) و این لفظ به چند معانی که دلالت بر نجاست آن دارند می آید. بمعنی (جس) یعنی پلید و نجس، بمعنی (ردّ آئی ردّ لیک) یا به معنی اینکه این روث بعد از پاکی به پلیدی ردّ شده است یعنی زمانی که علفی پخته نبوده، پاک ولی اکنون به این شکل در آمده و پلید است یا عَلم است برای طحام حیّات،

اما در باره ی استنجاء

پاک نمودن محل نجاست بالاتفاق واجب است در صورتیکه از مخرج تجاوز کند و همچنین فرد کردن سنگ های استنجاء مستحب است. اما در مورد تثلیث و عدم تثلیث اجماعین ائمه اختلاف وجود دارد نزد شافعی، احمد بن حنبل، سعید بن مسیب تثلیث بالا حارج واجب است و استدلال این گروه از حدیث { من خرج إلى الخائط فليذهب بثلاثة اجبار } نزد امام زفر، مالک، ابوحنیفه تثلیث واجب نیست بکسر مسیب است.

(باب نجاسة دم الحيض)

ترد امام اعظم، عبدالله بن مبارک، احمد بن حنبل، قلیل خون حیض پاک و کثیر آن نجس است. در صورتیکه بعد از نماز متوجه شو خون حیض بر لباسهای او رسیده و تم است (قلیل) نماز آن درست و واجب الاعداد نیست. در صورتیکه قبل از نماز متوجه شدند و نماز در لباسهایی که خون حیض به آن لباس رسیده خواندن موجب کراهت تحریم است. ترد امام شافعی قلیل و کثیر خون حیض نجس است.

در مورد قلت خون حیض اختلاف است؛ ترد امام اعظم یک درهم و از امام احمد اقوال متعددی روایت شده است؛ یک وجب در یک وجب قلیل است؛ لا قدر کف دست ۳ رأی مبتلا به اعتبار دارد اثر به نظر او کم است پس کم ولی اگر زیاد است پس زیاد.

(باب ما جای فی المذی)

در این مورد در میان علماء اختلاف است.

۱ در باره ی پاک بودن و نبودن مزی دو قول منقول است

ترد فرقیه امامیه مزی پاک است و تردائمه ارجه و مجبور فقهاء و محدثین مزی ناپاک است

۲ آنکه ی تلخیص مزی چه چیزی می تواند باشد؛ سه قول موجود است

① ترد امام احمد با شستن آب کافی است.

② ترد امام مالک، شافعی، اسحاق بن راهویه شستن لازم است بر سید کنوخت و سنگ پاک خواهد شد.

③ ترد احناف، سنگ و کنوخت هم پاک می شود، همانند حکم ادرار است.

۴ بنا بر خروج مزی چه مقداری از موضع شسته شود پس در این مورد هم اختلاف هست؛ در سه قول

① ترد امام مالک شستن تمام ذکر لازم است.

② ترد امام اوزاعی بجف از ضابطه مالکیه شستن ذکر مع قضیتین لازم است.

③ ترد احناف و شافعیه فقط شستن موضع لازم است.

«باب الازی یصیب النعل»

در این مورد علماء اختلاف کرده اند:

نزد ظاهریه، قول قدیم شافعی اینست که اگر نجاست به موقع اصابت کرد با مالیدن به خاک پاک می شود طبق قول جدید شافعی با مالیدن به خاک پاک نمی شود بلکه نیاز به شستن دارد نزد ابی یوسف اگر نجاست دارای جرم باشد با مالیدن پاک می شود در غیر اینصورت پاک نمی شود.

«باب ما جاء في فضل طهور المرأة»

نزد اسحاق بن راهویه، امام احمد بن حنبل و ضو یا آب پس فائده زن کراهت شدید دارد (نا جائز است).
نزد امام اعظم و جمهور علماء آب پس فائده زن که غسل کرده یا وضوء یا کراهت و غسل کردن مرد از آن آب مباح است.

«باب ما جاء في تطهير الدباغ»

نزد امام اعظم و اسحاق یوسف با دباغت پاک می شود یوسف است حرام باشد یا دباغ شده.
نزد شافعی یوسف هر حیوان پاک می شود بجز یوسف است که با دباغت هم پاک نمی شود.
نزد احناف یوسف خنجر به علت نجس العین و انسان بعلت کراهت از این مستثنی هستند.

استدلال این گروه حدیث آخر این باب می باشد.

تمام حدیث این باب به جز حدیث مسند مالک

«باب آئیه الکفار»

نزد جمهور فقهاء در صورتیکه ظروف کفار شسته شود در آن ظروف غذا خوردن جائز است هیچ مانعی وجود ندارد و لولا اینکه ظرف دیگر باشد البته استفاده از آن ظرفی که مدوار خنجر شده یا شراب در آن بود جائز است.

بطور تطبیق - یعنی حدیث این باب را چنین بیان می دارند:
مقصود آن ظرفی می باشد که مدوار خنجر شده یا شراب در آن وجود داشته.

بول الصبی

در این باره دو مسئله مطرح است:

۱. ادرار بی شیر خوار پاک است یا نجس؟
۲. در صورت ناپاک بودن چگونه پاک کرده شود؟
۳. در باره ی مسئله اول دو قول موجود است:

① نزد او و دظا هری و طبق روایتی از امام شافعی، امام احمد ادرار بی شیر بی پاک و ادرار دختر بی ناپاک است (شیر خوری که غذا خوردن را شروع نکرده).

② قول دوم امام شافعی و امام احمد و مذهب امام اعظم و امام مالک، و جمهور فقهاء و محدثین اینست که ادرار هر دو ناپاک و نجس می باشد.

۳. در مورد مسئله دوم (تطهیر بول صبی) که سه مذهب وجود دارد:

① طبق روایتی از امام مالک و شافعی و نزد امام احمد و اسحاق بن راهویه و امام زهری

ادرار بی شیر بچه فقط با نضح یعنی پاشیدن آب پاک می شود ولی از ادرار دختر بچه باید

غسل و شستن دارد و نیاز دارد که شسته شود.

② قول غیر مشهور امام مالک و شافعی و مذهب اوزاعی اینست که برای تطهیر هر دو بول ریختن آب کافی است.

③ نزد امام اعظم، سفیان ثوری، ابراهیم نخعی و جمهور (اکثر) فقهاء برای پاک کردن

ادرار بی شیر و دختر شستنشان واجب می شود و با نضح پاک نمی شود.

چون احتمال دارد مراد از نضح ریختن آب باشد زیرا نضح دارای چند معنی است

۱. ریختن آب بر عضو ۲. پاشیدن آب ۳. غسل حقیق و ...

لذا نزد احناف غسل بی شیر و دختر بی هر دو لازم است.

«باب آداب»

آداب جمع ادب است ، هر چیز قابل ملاحظه را ادب می گویند.
 و در بیت الخلاء نیز مشتمل بر چیزی آداب که از آنجا ممنوعیت استقبال و استدبار
 با و رد ادعیه به وقت دخول و خروج است و در مورد استقبال و استدبار نه مسک و خود دارد
 ① نزد امام اعظم ابوحنیفه و فی روایت احمد ، ابوهریره ، حضرت مجاهد ، ابراهیم نخعی
 طاووس بن کيسان ، ابو ثور ، امام اوزاعی ، سفیان ثوری ، ابن حزم طاهری و ابن قیم
 قائل بر اینند که استقبال و استدبار هر دو علی الاطلاق چه در صحرا باشد یا در آبادی
 ناجائز است .

② نزد امام المؤمنین عایشه ، عروه بن زبیر ، ربیعۃ الرأی ، استقبال و استدبار
 هر دو مطلقاً جایزند درست بر عکس مذهب اول .
 ③ نزد امام مالک ، شافعی ، ابن عباس ، ابن عمر ، عاصم شعبی ، اسحاق بن راهویه
 استدبار و استقبال در صحرا ناجائز و در آبادی جائز است و یک قول اهد بن حنبل .
 ④ نزد بعضی از اهل طاهرو طبق یک قول اهد بن حنبل و روایتی از امام اعظم
 استقبال به هر صورت ناجائز و استدبار به هر صورت جائز .
 ⑤ نزد ابو یوسف و فی روایت ابوحنیفه استقبال به هر صورت ناجائز و استدبار (در آبادی)
 جائز و در صحرا ناجائز است .

⑥ نزد محمد بن سیرین و فی قول عبد ابراهیم نخعی چنین ثابت است که همراه
 با ممنوعیت استقبال و استدبار قبله و سمت المقدس ناجائز است .
 ⑦ نزد حاکم ابو عوانه استقبال و استدبار قبله مخصوص اهل مدینه است
 یعنی برای اهل مدینه استقبال و استدبار جائز نیست ولی برای غیر ، جائز است .
 ⑧ صاحب کمال الفائق می فرماید نزد امام اعظم استقبال مکروه تحریمی است و استدبار
 مکروه تحریمی است .
 ⑨ نزد علامه تموی استقبال و استدبار مکروه تحریمی است .

و فعل یأمر که در حدیث ۷۲ آمده که آنقدرت یک سال قبل از وفات استقبال قبله
 فرمود بعلت اباست بوده یا مخصوص بنی امیه باشد .

(باب ما جاء في بول المنتقع)

از حدیث اول این باب معلوم میگردد. لا یتَنَقَّع بولٌ فی طستٍ فان الملائكة

شماره ۸۲ باب این مضمون می گردد جمع نمودن نجاست هست .

ولی از حدیث دوم ، کان نللی (ع) قَدَحَ مِنْ عِیدَانِ تَحْتَ سَرِیرِهِ

کان فی بولٍ فیه باللیل . شماره ۸۳ باب از عمل بیابا مبر (ع) معلوم میگردد

که ~~در حاشیه~~ ^{در حاشیه} ابوداود هدف از عدم جمع نمودن بول در حدیث

اول آمده طول مکث مراد هست (زیاد گذاشته شود) ،

~~مراد طست (زیاد گذاشته نشود)~~

۲ علامه عظیم آبادی می گوید: که در هر حال جائز نیست اتمام بعضی احوال (بیماری) جائز

است شاید عمل بیابا مبر بخاطر بیماری بوده است

۳ علامه سیوطی در شرح نشائی از علامه مغولطای حنفی می فرماید که مراد از آن روایتی

که جمع بول از آن مضمون میگردد در کثرت نجاست فی البیت مراد است اما با توفیق

به اینست در طرف بول کم می ماند و اندیش نیست نجاست بول در خانه نیست جائز هست

(باب موجبات الغسل)

از حدیث اول این باب ثابت می شود که حضرت علی خود سائل بوده و در جوابی عمار

رافرساده و در جوابی مقدار را . در جواب می توان گفت حضرت علی بواسطه عمار و

مقداد سؤال نمود در وقت روایت اسم واسطه را ذکر نمی کند یا حضرت عمار یا مقدار

در آن جلسه حضور داشتند که گاهی سوال را به جانب عمار و گاهی به مقدار

نسبت می کنند . مراد از سبع بار یعنی که در حدیث ۸۷ و ۸۸ آمده دوسال و

دوران زن یا دوران و دو طرف فرج یا چهل طرف فرج می باشد در باره ی

در باره ی صلاه فی قُبُورِ واحد که در حدیث شماره ۸۹ آمده است بین

سلف اختلاف وجود دارد چنانچه علامه زکریا وواله بزرگوارش مولانا یحیی

در الکوکب الدری فرموده اند که از حضرت عبدالله بن مسعود و بن عمر

وعده ای از مطالبه منع وار شده است و حضرت عبدالله بن مسعود با

جایی منع کرده که اگر توب واحد به فراخی آسمان هم باشد باز در آن

جائز نیست احاد بر این قریل از بعضی جوانان منقول است

و صحتی در ابوداود باب الرجل یصلی فی قبری واحد انما

۴۵۰

است شده که آنحضرت در یک قهصین نماز خوانده اند.

در حدیث شماره ۸۹ آمده خوردن و گولنت کردن، هم مجلس شدن با حائض
بالاتفاق جایز است اما مباشرت با حائض دارای صور مختلف است.
علامه عینی علیه السالمة می فرماید دارای سه صورت می باشد. بعضی از آن
صورتها بالاتفاق حرام هست و یک صورت جائز و صورت سوم مختلف فیه است
مباشرت اثر بالفرج باشد قطعاً حرام می باشد و اگر کسری قایل به حلال بودن باشد
باید استغفار کرده دوباره عود نکند

نزد امام محمد، احمد و روایت ابو یوسف، مباشرت ماعدای فرج و دبر بلا
اشکال جایز است.
ترمذی و امام اعظم و مالک و روایت ابی یوسف مباشرت ماعدای ازار
و مافوق رتبه حرام و ممنوع است. البته اگر بدون ازار باشد.
دلیل گروه اول از روایاتی که امام ترمذی در سنن ترمذی خود آورده است
استحووا کل شیء الا النکاح که مراد از نکاح، وطی کردن است
دوم از بی عاشرت در ضایع روی است که من در حالت حیض بودم که
نبی (ص) به من فرمودند: الکشی عن فخذیک و من چنان کردم
و آنحضرت
سوم از آنکه = و سألونک عن الحیف است لال می کشد که در

دنباله‌ی آیه آمده است که فاعل لوالسنا فی المحیض، اعتزال لازم است
 از محیض و مقصود از فی المحیض فی الفرج است زیرا محل حیض و فرج
 است پس اعتزال فی الفرج مراد است و بسبب آنکه استئصال انحراف
 یکسری روایات می باشد من جمله یکی فرموده معاذ رضی الله عنه در حدیث
 ۸۹ روایت شده که محل شامها مافوق الازار، و مراد از مافوق الازار
 از ار می باشد که جائز است و بدون آن حرام و درست نیست و بسیار
 مافوق الازار هم خلاف اولی است چنانچه که از زیاده میسر (ص) صریح است
 که عاقبت صدقه روایت می کند هرگاه یکی از زنان پیامبر حیض می شد و یا مسوره می داد که
 از ابرو می زدند چه کسی طاهر یا مبر بر نفس خود مانک بوده
 و بر سقوات نفسانی خود غالب بوده پس عی یا مبر حیض عمل می فرمود پس است
 باید بر طرفین طوطی عمل نمایند و علامه سید احمد علمانی در فتح الملهم و علامه نجمانی
 در میدان انبری از آیه قرآنی و لا تقربوهن استدلال می کنند که قربان می باشد
 یعنی از حی و دواعی حی و اجتناب بکنند چنانچه در طایفه می فرماید
 و لا تقربوا الزنا یعنی از زنا و دواعی آن بپرهیز پس همانطور که در زنا و دواعی آن
 حرام است پس در حالت حیض و دواعی و طوطی هم حرام است
 و در جواب صریح به این باشد چند جواب داده اند
 ۱ در سلسله این روایات عبد الرحمن افریقی وجود دارد که در متن روایت ضعیف
 و غیر معتبر است
 ۲ از دعائیه درین بر خلاف روایت خود عمل می کنند یعنی وقتی راوی
 بر خلاف روایت خود عمل کند دلیل است که راوی بر روایتی عمل می کند
 به طور صریح راوی می باشد
 ۳ شاید حضرت پیامبر و خاصه ایشان بوده است که زنا را از
 مانک بر نفس خویشی بوده اند و بر قوه شیطانی کنترل داشته اند و در جواب
 و اصحوا کل شیء الا الکفاح می فرمایند که با آیه و لا تقربوهن می توان
 است مقصد دانست که باغون هر نوع معامله بنیند در حالت حیض
 به جز و کلمه و دواعی حریص و طوطی.

باب ما جاء في البول قائماً

در این مورد علماء احوال مختلف دارند :

۱ نزدیک به بن مسیب، احمد بن حنبل و بعضی دیگر گویند : بول قائماً مطلقاً جایز است .

۲ نزد اهل ظاهر بول قائماً علی الاطلاق ناجیز است .

۳ امام مالک فی فراطیه : اگر اصابت قطرات نباشد بول قائماً جایز و در غیر اینصورت مکروه است .

۴ جمهور علماء فی فراطیه : بول قائماً مکروه تنزیهی است .

اما حدیثی از حضرت حذیفه رضی الله عنه به پیامبر علیه السلام در حالت حیام (عظم افشانی

کردن) بول نمودند و صاحب کتاب آن را در این باب ذکر کرده است . (آنی سیاطه تقوم

ضال) . مولانا مفتی تقی حفظه الله تعالی در این مورد ۱ توجیه نمودند :

(۲ توجیه آخر نزد ایشان پسندیده می باشد) .

توجیه اول : آن جا محل اشتغال بوده و شستن برای آن حضرت علیه السلام درست

نمود و در صورت شستن اندیشه آلود بودن می رفت لذا در حالت حیام عظم افشانی نمودند .

توجیه دوم : نزد بعضی اعیان برای انسان مغفیر می دانند طاه طاه ایستاده بول نمودن و در

میان عرب ها بول قائماً راجح داشت لذا پیامبر علیه السلام چنین عمل کردند و مولانا فی فراطیه

Date _____
Number _____
Plan _____

BenQ
Enjoyment Matters

این از عقل بعد است که بتوان بر آن قرأت برد (یعنی اتباع و مطوعات بعد است).

توصیه سوم: این عمل یا میسر برای جوان بود تا آنجا که جواز را برای امت داشته باشد.

توصیه چهارم: در این مدت در رانهای پیامبر علیه السلام در وجود داشت ضایع از

تجرباتی روایت معلوم می شود: لوجه
این هم این حدیث ضعیف

است اما عمل نمودن بر حدیث ضعیف اولی تر از ضایعهای قوی باشد.

«باب صفته الغسل»

در باره باز کردن موی سر برای زن ها در مسلك وجود دارد:

۱- جمهور علماء من فرمایند: وقتیکه آب بر بن موها برسد باز کردن آنها لازم نیست

خواه غسل، غسل جنابت باشد یا صیغ فرجه بفرماید.

دلیل در حدیث ۹۶ باب کتاب من باشد.

«إِنَّمَا يَلْبِغُ أَنْ يَحْتَمِلَ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ حَتَابَاتٍ»

۲- نزد ابراهیم نخعی و داود ظاهری بهر حال باز کردن سیوها در غسل جنابت و صیغ

انفرجی است.

دلیل در حدیث ۹۷ این باب من باشد.

«إِنْ قَعَنَ شَعْرَكَ وَاعْتَمَلَهُ»

۳- نزد امام احمد بن حنبل و حسن بصری و طحاوی بن لسان باز کردن سیوها در غسل

جنابت لازم است و در غسل صیغ لازم نیست.

در نزد بعضی از اهل ظاهر خواه آب بر موها برسد یا نه سر موها را باز کنند.

اما اگر سر موها را بافته هست و آب بر بن موها نرسد باز کردن موها لازم

است

- در میان حدیث ۹۷ و ۹۸ تعارض وجود دارد.

زیرا در حدیث اول عایشه صدیقہ فی فرطیہ کہ پیامبر علیہ السلام بہ بار نزدن
موہا من لادستور دارد.

و در حدیث دوم فی فرطیہ من بہ ہر ام پیامبر غسل نکردم و موہا لا بار نکردم.
تحت رفع تعارض فی توہم ہے واقعہ حدیث ۹۷ واقعہ صحیحۃ الوداع فی بابتہ
عایشہ رضی اللہ عنہا کہ ام پیامبر بود و طافن نزدیک و پیامبر بہ بار نزدن موہا دستور
داد بہ این علت کہ تنظیف مرتظر بود نہ تنظیف و تنظیف بدون بار نزدن موہا
حاصل نمی شود. (چونہ احتمال نزدیک بار کردن موہا میبود).

- در حدیث شماره ۱۰۰ این باب این مطلب معلوم می گردد کہ پیامبر با غسل بہ حمام
نہان سر می زد بہ این معنای بہ حمام نہان ہمستر شدہ و فی بار غسل نموده و حکایت با حمام
نہان در یک شب بعد بہ نظر می رسد. پس لا یو با یس ہمستر شدہ و بار نہان ہمستر نمی شد.
در ضمن صورتی قسم نہان ظاہر آضایع می شد و این در حق پیامبر محال است و حق قسمی
لاضایع نہ.

- در جواب این اقوال مختلفہ نقل شدہ صحیح ترین آنہا کہ بقول نزدن نیست است.

مراعات نمودن قسم بر پیامبر واجب نبوده و باز ہم مراعاتی بہ ما بین نہان نموده

محقق برای تعلیم است و احسان خود او بوده است.

یا منعم یا منیر در یک شب با تمام زنان همبستر شده زیرا که قوت بمردم یا منیر عطا شده.

در بیان حدیث ۱۰۰ و ۱۰۱ هیچ تعارفها وجود ندارد، چرا که دو واقعیه جدا و مختلف

می باشد.

« باب حکم الجنب »

آیا برای شحفی که جنب هست و می خواهد بخوابد آیا لازم هست که وضو بگیرد یا خیر؟

۱- نزد ابن حبيب مائکي برای جنب قبل از خوابیدن وضو لازم هست و راورد ظاهر که نیز بر همین قائل هست. و استدلال این گروه « از حدیث شماره ۱۵۱ تا ۱۵۴ می باشد.

۲- جمهور علماء قائل هستند که وفاء در این حالت مستحب هست و محل یا منیر که آمده معمول بر اینست حباب هست. استدلال این گروه از روایت مختلف هست:

از ازواج یا منیر خدا منقول هست که یا منیر با یکی از آنها مجامعت نموده و دست به آب تزد. و همچنین از بی بی عاشرت رضی الله عنها منقول هست که یا منیر بعد از نماز عشاء به خانه شریف فرما شده و به بستر شریف فرما می شد و اگر حاجتی داشت آنرا فراهم نموده و بعد از آن دست به آب می زدند.

و حکمت وضو این هست که وضو نصف غسل هست تا نجاست کم تر شوند و اگر نه و هر دوباره قصه مباشرت کند بجز نتواند با شاهی مجامعت نماید.

روایت شماره ۱۵۱ ظاهر آیه ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید معارف هست که فرشتگان همیشه همراه انسان بوده و هیچ گاه از انسان جدا نمی شود و از این حدیث معلوم می گردد که در بعضی اوقات جدا می شوند.

مراد از فرشتگان، کرام الکاتبین و فرشتگان حفظه هستند و در آن مراد کرام الکاتبین و ممالک حفظه می باشند. ولی در حدیث فرشتگان رحمت مراد هستند و مراد از تصویر و تصویر است که معظم (بزرگ) و ذی روح باشد زیرا در اینصورت با بیت الا صنام متشابه می باشد.

مراد از کلب سگی می باشد که با مویشی (حیوانات) یا سید یا جهت نگهداری وزراء
نباشد . مراد از جنب : جنبی هست که برای نماز مینابر تنلی و سستی غسل
میناید .

تفاوت قرآن برای جنب چه حکمی دارد

احام مائک می فرماید تفاوت قرآن برای حائض جائز هست زیرا که اندک سینه
فرا مویشی قرآن وجود دارد اما برای جنب جائز نیست زیرا که جنابت گاهی
پیش می آید و رفع جنابت برای خود جنب هست . اما نزد جمیع تفاوت
قرآن برای حائض و جنب جائز نیست .

در جواب استدلال امام مائک می گویند : جهت مأهون بودن از فراموشی قرآن
نمی تواند قلباً قرآن مجید را تلاوت کند .

۲ یا جنب و حائض می توانند در مسجد داخل شوند

سید مسک موجود است ! تردد داوود ظاهری امام مزنی ، دخول هر دو جائز هست
۱ تردد امام احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه دخول جنب در مسجد میکه وضو
نگیرد جائز هست

۲ عابد علماء و امام اعظم ، مائک ، شافعی می فرماید : دخول هیچ کس در مسجد

دلیل گروه دوم ، صحابه کرام وقتی داخل می شوند که با وضو بوده اند .
استدلال این ثلاثه از حدیث شماره ۹۱۹ می باشد ، می گویند که مسجد قرارگاه
ملائکه هست و قرار گرفتن جنب در آن درست نیست . زیرا که قرار گرفتن
رهت و نجاست در یکجا جمع نمی شوند .

در جواب استدلال گروه دوم : از عمل صحابه کرام در حدیث هشام وجود
دارد که شتم غیه هست فلذا این روایت سابقه الاعتبار هست و
همی توان از این حدیث استدلال گرفت .

حکم عبور و مرور از مسجد برای جنب و حائض

۱. نزد شافعی، عبداللہ بن مسعود، سعید بن مسیب، ابراہیم نخعی، امام شعبی
برای جنب و حائض مرور از مسجد جائز است.

۲. نزد امام اعظم، مالک، احمد بن حنبل، حضرت علی و ابن عباس رضی اللہ عنہما
و امام مجاہد مرور جنب و حائض در مسجد جائز نیست،
مشتاً اختلاف فیما بین علماء از این آیه قرآنی هست:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّى تَعْلَمُوا إِلَىٰ مَا بَلَّيْتُمْ
در تفسیر این آیه دو قول وجود دارد: اگر تفسیر عابری سبیل (رهگذر) باشد
چنانکہ ابن مسعود بہ همین سوال تفسیر کرده در آنوقت قطعاً مراد از لا تقربوا
الصلاة باید مسجد باشد، یعنی در حالت جنابت نزدیک مسجد نروید مگر در جائیکہ
رهگذر باشید، در اینصورت مسجد برای عبور جنب جائز است.

اما اثر تفسیر ابن عباس را کہ عابری سبیل را بہ مسافر تفسیر کنیم آنوقت
الصلاة بمعنای حقیقی خود می شود یعنی در حالت جنابت نزدیک نماز نروید
الا ان تكون مسافراً پس آنوقت می توانید تیمم کرده نماز را ادا کنید پس
در اینصورت جواز عبور جنب در مسجد ثابت می شود.

علماء می فرمایند برای ارجحیت تفسیر دوم همین قدر کافی است کہ امام المفسرین
آنرا روایت و تفسیر نموده است. علاوه بر این اگر تفسیر ابن مسعود را
بگیریم صلاة را بہ معنای مجازی برده یا لفظی قبل آن محذوف قرار دهیم
اما اگر بر تفسیر ابن عباس عمل کنیم هیچ اشکالی پیش نمی آید.

امام ابن العربی لا تقربوا اگر بہ فتح باشد آنوقت معنای آن عدم قربان
با فعل هست. اگر بالضم باشد مراد از آن عدم قربان با مفعول می باشد
لذا مراد از صلاة مفعول آن نیست بلكه عمل آن می باشد.

۲ آیا قضاای نماز بر حائض لازم هست یا خیر

۱ تردید خارج نماز قضا دارد و بر فرد حائضه قضاای نماز واجب هست
چونکه نماز ستون دین هست و بر روزه افضلیت دارد.
۲ جمهور می گویند: برای حائض قضاای نماز لازم نیست.
در جواب خارج گویند: قیاس نماز بر روزه قیاس مع الفارق هست
با توجه به اینکه در هر روزی ۵ نماز وجود دارد و در هر ماه ۳۰ روز
حائض هست پس ضروری هست هر ماه ۵ نماز را قضا یا آورد بر خلاف
روزه که ساله یکمرتبه یکماه سیی می آید و در قضاای آن حرجی نیست.

باب الاستحاضه

۱ وطنی زن در حالت حیض بالاتفاق درست نیست افکار حالت استیاضه
علما به دو قسمت تقسیم شده اند:
۱ تردید امام احمد بن حنبل و طی بایزن مستاضه حرام هست.
۲ تردید ثقات استحاضه مانع وطنی نیست.

باب السواک

۱ نزد جمهور مسواک مستنون است
۲ تردید داود و ظاهری و اسحاق بن راهویه مسواک واجب است
دلیل از روایت طبرانی «السواک واجب علی کل مسلم»
جواب جمهور: وجوب را به معنای ثبوت قرار می دهند.

آیا مسواک سنت و ضروری است یا نماز

۱. تردید احناف مسواک سنت و ضروری است نه نماز.

۲. نزد شافعیه مسواک سنت نماز است نه وضوء.

ثمره اختلاف بین آنها در این جا واضح می شود که شخصی وضوء با همراه استعمال مسواک نماز بخواند در چنین صورتی اگر بخواهد نماز دیگری با همین وضوء بخواند نزد احناف مسواک لازم نیست. اما نزد شافعیه لازماً دوباره مسواک بنزد. استدلال این گروه از حدیث باب ۱۷۷ و استدلال احناف از حدیث باب ۱۱۸.

در جواب شافعیه می گویند: بعد از عند مضاف معذوف است آنی عند كل صلاة و اگر آنرا سنت قرار دهیم، خرابی لازم می آید زیرا در وقت نماز با مسواک زدن احتمال در آمدن خون هست و موجب فساد نماز است و موجب ترک معذوف از نماز گذاران می شود. در چنین صورتی تکبیر قدری وجهی سیاهتر رنگت یا که نماز فوت می شود. و در هیچ روایتی نیامده که پیامبر (ع) وقت نماز مسواک زده باشند.

آیا با خیر دندان سنت مسواک زدن حاصل می شود یا خیر

مولانا محمد تقی حقیق رحمه الله می فرماید در اینجا ۱. چیز و جبر دارد ۲. مسواک ۳. مسواک پس با خیر دندان سنت مسواک حاصل می شود (یعنی یکی حاصل می شود) اما سنت مسواک، با (قبل خوب آراک) حاصل می شود. آراک (توج، بلوی)

فصل در وصل بین مذهب و اشتیاق

قول جدید امام شافعی در مذهب و اشتیاق وصل اقصی است

نقدیم فصل فصل

تدریجاً

مذهب یکی و جنبی مطابق قول جدید امام شافعی یعنی وصل اقصی است

اعضاء و فروع چند بار نیست شوند

تدریجاً امام شافعی شستن هر اعضاء بصورت سه بار سنت است و کمتر از سه بار شستن سنت ندارد

تدریجاً شستن اعضاء بصورت یکبار فرض است

۲ رو بار مستحب

۳ سه بار سنت

خلاصه کلام

تدریجاً: خلاصه کلامها مستحب و آداب و فروع است

تدریجاً یکی اقوال معتبر است اینها یکی مذهب است

۲ جائز است

۳ بین شیخان و حقیق فرق

وجود دارد بین صورتی که ما بین شیخان مستحب است

تدریجاً شافعی واحد بن جنب و اکثر اهل علم و از اصناف تدریجاً امام ابو یوسف خلاصه کلام است

تدریجاً شافعی بن راهب، حسن بن صالح و اهل ظاهر خلاصه کلام و

خلال اصابع

ترد امام اعظم آنرا نستان با حیان حسیده و فربا به هم هستند و
 آب به میان آن هائی رسد پس خلال مابین انگشتان واجب است
 گویا در واقع عندالک واجب است و فربه آب به میان انگشتان نرسد
 ترد احمد بن حنبل تلمذ اصابع واجب است
 جواب جمعه در هر حدیث تخلیل اصابع علی بر استیجاب است.

مسح اذنین

ترد انه اربعه مسح هر دو گوش سنت است.
 ترد اوود ظاهری، حسن بن صالح ظاهر (سنت) گوش هاست شود و
 باطن (داخل) گوش هاست مسح کرده شود.
 ترد زهری در یک روایتی تسنن گوش هاست است.
 ترد اسحاق بن راهویه: و فربه چهره تسنن شود گوش مسح شود و به
 همراه مسح سر گوش مسح کرده شوند.

۱ ترد ابن عمر، سعید بن مسیب و ابو موسی اشعری فوم مطلقاً (کثیره و قلیل)
 ناقض وضو نیست.
 ۲ ترد اسحاق بن راهویه، ابو بکر بن محمد، حسن بصری، امام مزنی از شافعی
 و ابو عبید قاسم درست بالعکس مسلک اول است که فوم مطلقاً
 ناقض وضو است.

۳. ترد محققین علماء کرام: اگر جوابی که استرهای مفاصل محقق باشد این
نوم ناقض وضو است و اگر جوابی که استرهای مفاصل محقق نباشد این
نوم ناقض وضو نیست.
۴. ترد امام ابوحنیفه: نوم کثیر ناقض وضو است اگر نوم کثیر باشد و اگر
قلیل باشد ناقض وضو نیست.